



مقالات تقی زاده

جلد چهاردهم

زبان فارسی و ادبیات آن

زیر نظر

ایرج افشار

با باری

میلاد عظیمی

سرشناسه	تقی‌زاده، حسن، ۱۲۵۷-۱۳۴۸
عنوان و نام پدیدآور	مقالات تقی‌زاده / زیر نظر ایرج افشار.
مشخصات نشر	تهران: توس، - ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	۲۲ ج. مصور، عکس.
شابک	دوره: ۵-۶۶۹-۳۱۵-۹۶۴-۹۷۸ شابک جلد ۱۴: ۰۰-۶۵۱-۳۱۵-۹۶۴-۹۷۸
یادداشت	ج. ۱۳ (چاپ اول: ۱۳۹۰) (قیفا)
یادداشت	جلدهای سیزدهم و چهاردهم این کتاب با یاری میلاد عظیمی گردآوری شده است.
یادداشت	کتابنامه.
مندرجات	ج. ۱ مشروطیت. - ج. ۷. زندگی طوفانی. ج. ۸. تقی‌زاده در مجلس: نطق‌های مجلس شورا (دوره‌های اول، دوم، پنجم و ششم). - ج. ۹. تقی‌زاده در مجلس: نطق‌های مجلس شورا (دوره‌های هفتم، هشتم و نهم) در مقام‌های وزارت طرق، سالیه. - ج. ۱۰. تقی‌زاده در مجلس (دوره پانزدهم شورای ملی و دوره اول و دوم سنا). - ج. ۱۳. کتابها، مقدمه‌ها، نقدها، دانشمندان - ایران‌شناسان. - ج. ۱۴. زبان فارسی و ادبیات آن. -
موضوع	مقاله‌های فارسی - - قرن ۱۴
شناسه افزوده	افشار، ایرج، ۱۳۰۲ - اسفند ۱۳۸۹
رده‌بندی کنگره	۱۲۸۴ / ۹۴۲ م / PIRV۹۹۴
رده‌بندی دیوی	۸۴۴ / ۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۱۵۹۵۶-۸۴



انتشارات توس

مقالات تقی‌زاده (جلد چهاردهم) زبان فارسی و ادبیات آن

سید حسن تقی‌زاده
زیر نظر ایرج افشار

چاپ اول: ۱۳۹۰
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی، پیچاز
۲۰۰۰۰ تومان ی

ISBN 978-964-315-651-0

۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۶۵۱-۰

شابک جلد چهاردهم:

ISBN 978-964-315-669-5

۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۶۶۹-۵

شابک دوره ۲۲ جلدی:

کلیه حقوق چاپ و انتشار این اثر - به هر صورت - محفوظ و مخصوص انتشارات توس است.

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، اول خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸ - تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷ - فکس: ۶۶۹۷۰۶۷۷

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خ دانشگاه بن بست پورجوادی شماره ۵ - تلفن: ۶۶۴۹۱۴۴۵-۷

نشانی اینترنتی: www.toospub.com پست الکترونیک: info@toospub.com

فهرست مندرجات

یادداشت ۹

بخش یکم: زبان فارسی

چهار دوره زبان فارسی ۱۳

مأخذ فارسی فصیح و «فارسی خان و الده» ۲۳

درباره زبان فارسی زبان فارسی ۳۱

طرز نگارش فارسی ۳۵

جنبش ملی ادبی ۴۹

لزوم حفظ فارسی فصیح ۶۵

تدریس زبان خارجی ۹۵

زبان فارسی و زبان خارجی ۹۹

زبان فارسی دارد از بین می‌رود! ۱۰۵

سوالات درباره نحوه تدریس زبان خارجی ۱۱۱

بخش دوم: خط فارسی

اخطار راجع به رسم الخط ۱۱۵

راجع به مقاله رسم الخط ۱۱۷

۱۲۱	مقدمه تعلیم عمومی
۱۹۱	نامه‌ای درباره طرح الفبای فارسی

بخش سوم: لغت و فرهنگ فارسی

۱۹۷	فقه اللغه غربی و شرقی
۲۰۱	استفتاء از عموم علما و فضلاء ایران
۲۰۳	[طرز وضع و استعمال لغات]
۲۰۵	[نحوه جمع آوری لغت فارسی]
۲۰۹	[روش تألیف لغت فارسی]
۲۱۹	[ایضاً یادداشتی دیگر درباره روش جمع آوری لغت فارسی]
۲۲۳	[بازهم درباره روش تألیف لغت فارسی]
۲۲۷	[اسامی کتب لغت]
۲۳۱	[پنج یادداشت درباره اسامی کتب لغت]
۲۳۵	[دو یادداشت درباره شهر اللغات]
۲۳۷	[از فارسیات ابونواس]
۲۳۹	فرهنگ فارسی
۲۴۱	نامه رسمی درباره فرهنگ فارسی

بخش چهارم: لغات ترکی و مغولی

۲۴۹	اعلام مغولی در روضه اولی الالباب
۲۵۱	لغات ترکی مستعمل در فارسی
۲۵۵	اعلام مقولان جامع التواریخ
۲۵۹	اعلام مغولی و ترکی در دو ظفرنامه

بخش پنجم: جستارهای ادبی

۲۶۵	تحقیق در احوال ناصر خسرو قبادیانی
۳۲۳	ناصر خسرو
۳۳۱	[یادداشتی از کتاب جامع الحکمتین]

۳۳۵	 نظامی. زندگی و آثار او
۳۳۹	 یادداشتهایی برای تحقیق
۳۴۷	 جواب به انتقادات عباس اقبال آشتیانی

پیوست ۱

۳۶۷	 طرز نگارش فارسی
۳۷۹	 تاریخ فساد زبان ما
۳۸۵	 جواب استفتاء
۳۹۳	 انتقاد بعضی از مندرجات کاوه

پیوست ۲

۴۱۹	 نامه محمد قزوینی
۴۲۳	 تحفة الملوك

چهار دوره زبان فارسی*

در زیر عنوان فوق می‌خواهیم ترقی و تنزل زبان فارسی را در قرون مختلفه از قرن چهارم که قدیمترین نمونه مثر فارسی را در دست داریم تا این عهد نشان بدهیم و به نظر ما هیچ چیز بهتر از آن نیست که نمونه‌هایی از زبان ادبی ایران در ادوار مختلفه پیش‌انظار مقایسه مدققین بگذاریم. به عقیده ما می‌شود این تغییرات زبان را به عبارت صحیحتر تغییرات انشاء را به چهار دوره تقسیم کرد: اولی فارسی قرون اولی هجرت یعنی از قرن چهارم تا قرن هفتم و هشتم که بالتسبه ساده‌تر بوده است اگر چه به واسطه سبک تألیف کلام و تأثیر صریح بازنندی و عربی در آن از فارسی حالیه قدری دور است. دوم فارسی بدیهی و «ملقلق» دوره انحطاط بعد از استیلای مغول است که یک انشای غلیظ و خنک پر از جناس و کنایه و صنایع لفظی رایج شد که نقطه حقیض آن در «درة نادره» میرزا مهدی دیده می‌شود و تاسی جهل سال پیش هم ادبای فضیلت فروش ایران و آخوندهای چیزنویس آن شیوه را زنده نگاه می‌داشتند. سوم دوره انشای بالتسبه ساده‌تر و عهد اصلاح قرون اخیر است که از قایم مقام گرفته تا میرزا ملکم خان تکامل نموده. و بالاخره دوره چهارم عهد فساد و اغتشاش دوره بی‌عنائی^۱ زبان است که پس از «عرض اندام» کردن لشکر چریک ادبای (!) سراب و گرمرو و تربت و ترشیز و استیلای سیاستون ایرانی باکو و اسلامبول و مصر و پاریس و یعنی که هر کدام زبان فارسی دیگری داشته و هیچ یک زبان دیگری را نمی‌فهمند «آش شله قلنکاری» در جراید پایتخت و دارالشطنه‌های دیگر پیدا شد و ادبیات «تجددکارانه» خان والده و کازتیه‌لتن^۲ به قول حضرات «مود» شد. اینک نمونه‌ها:

۱- فارسی عهد سامانیان و اوایل غزنویان (با زبان ایران در قرن چهارم هجری).

۱- «..... آغاز داستان: بدانند که هر کجا که آرامگاه مردم بود از چهار سوی جهان از کران تا کران این زمین بخشیدند و هفت بخش کردند و هر بخشی را کشور خوانند نخستین را آرزو خوانند دوم را سوت خوانند سیوم را کوس خوانند چهارم را بدرخش خوانند پنجم را

*- کاوه، سال ۵۵ شماره ۷ (ذی‌القعدة ۱۳۳۸ ق.) ص ۵-۸

۱- Anarchie

۲- Quantier latin محله‌ای است از پاریس که اغلب محصلین و خارجیهای نهیدست و طبقه پائین ملت و غربا در آن سکنی دارند و مرکز فقه و خانها و آبجو خانه‌های عمومی است.

وزیر اسب خوانند ششم را جرسن خوانند هفتم که از کوهستان پنهان است چهره‌نای خوانند و این که ما بدان اندریم و شاهان ایران شهر خواندندی و گوشه را امت خوانند و آن چین و ماچین است و هندوان بربر و روم و خزر و روس و سقلاب و سمندر و پرتاس خوانند و آنکه بیرون از آنست سلسله خوانند و آفتاب برآمدن را باختر خوانند و فروشدن را خاور خوانند و ایران شهر از رود امویست تا رود مصر و این کشورهای دیگر پیرامون اویند و از این هفت کشور ایران شهر بزرگوارتر است همه هنری و آنکه سوی باختر است چینیان دارند و آنکه از سوی راست اوست هندوان دارند و آنکه از چپ اوست ترکان دارند و از چپ دوم خاوریان دارند و نیز مازندریان را باشد و گویند مازندران است و این همه ایران زمین از بهر آنکه ایران زمین پیشتر است و این از بهر آن گفتند که این زمین بسیار تهی بوده است و چون مردم نبود پادشاهی به کار نیامد چه مهتران به کهتران نتوانست بودن و هر جا که مهتری بود مردم بود از مهتری چاره نبود و مهتران از گوهر مردم باید چنانکه پیغمبر از همه مردم بایست و هم گویند که بعد از مرگ کیومرث صد و هفتاد و نه سال پادشاهی نبود و جهانیان یله بودند چون گوسپندان بی شبان در بیابان و کوه تا هوشنگ پیش داد بیامد و چهاربار پادشاهی از دیو بستند و ندانند که چند گذشت و از روزگار جهودان از توریت موسی علیه السلام می گویند که از گاه آدم تا آن روز که محمد عربی علیه السلام از مکه برفت چهار هزار سال و دویست بود و کرسایان از انجیل می گویند که پنج هزار و پانصد و نود و سه سال بود و بعضی آدم را کیومرث خوانند این است شمار روز گذشته که ما از روزگار ایشان یاد کنیم و ایزد تعالی به داند.

[مقدمه قدیم شاهنامه فردوسی^۱]

۱. این یکی دو قطعه از مقدمه قدیمی (غیر بابسنقری) شاهنامه فردوسی منقول است (نسخه خطی محفوظ در کتابخانه برلین، M. Orient. fol. 172). تاریخ تألیف این مقدمه معلوم نیست. ولی قرائنی در دست است که قسمت مهمی از آنچه در این مقدمه درج است قسمتی از عین متن مقدمه شاهنامه اصلی مثنوی است که مأخذ دقیقی و فردوسی در نظم شاهنامه بوده و به حکم ابومنصور محدثین عبدالرزاق طوسی ظاهراً در سنه ۳۴۶ تألیف شده است. این حدس ابتدا به نظر نویسنده مقالات «مشاهیر شعرای ایران» در کاوه آمده و پس از دقت زیاد رسوخ در آن حاصل شد خصوصاً که جناب استاد محترم آقامیرزا محمدخان قزوینی نیز صائب بودن این حدس را به قوت هر چه تمازت تصدیق فرموده و قریب بی قینش خواندند. یکی از قرائن این حدس اشتغال این قسمت از مقدمه است بر نسبت ابومنصورین عبدالرزاق و پیشکار او ابومنصور مثنوی چه در «الانکار الباقیه» تألیف ابوریحان بیرونی (صفحه ۳۸) نیز به ثبت نسب ابومنصورین عبدالرزاق (که به قول بیرونی جعلی است) در شاهنامه تصریح شده. علاوه بر این بودن خود عبارات به طرز فارسی قدیم و مطابقت مأخذها و کتب سیرالملوک که در آن ذکر شده با مأخذی که بیرونی نسبت می دهد که ابوعلی بلخی شاهنامه خود را با عین همان مأخذ مطابقت کرده (صفحه ۹۹) و مطابقت عجیب قسمت این مقدمه درباره عمر دنیا با آنچه در این خصوص در مقدمه بلعمری به ترجمه تاریخ طبری آمده قرائن دیگری به مدعای ما هستند. فعلاً این مسئله به عنوان یک حدس به معرض انتظار علما گذاشته می شود و تحقیقات آنان این نقطه را روشتر خواهد کرد. خود این مطلب با دلایل مشروحتر آن و